

سوء تغذیه: پیموده‌ها و ناپیموده‌های راه مبارزه

به مناسبت روز جهانی غذا (۱۶ اکتبر - ۲۴ مهر) و
اجلاس جهانی غذا (۱۲ تا ۱۷ نوامبر - ۲۲ تا ۲۷ آبان) در فصل جاری

شماره ورزگر

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ابعاد جهانی امنیت غذایی و رشد جمعیت:

از پیدایش بشر تا اوایل دوران تاریخی، جمعیت جهان هر ۳۵ هزار سال یکبار دو برابر می‌شد. طول مدت ۲ برابر شدن جمعیت جهان در فاصله سالهای ۱۶۵۰ تا ۱۷۵۰ میلادی برابر با ۲۴۰ سال، در فاصله ۱۸۵۰ تا ۱۹۵۰ برابر ۱۱۵ سال و در زمان حاضر به کمتر از ۴۰ سال تقلیل یافته است. هم اکنون جمعیت جهان به ۵/۷ میلیارد نفر رسیده است که ۷۷ درصد آن در کشورهای در حال توسعه به سر می‌برند و به‌رغم کاهش درخور رشد جهانی،

جهان شاهد افزایش سالانه ۹۴ میلیون نفری است که حدود ۹۵ درصد آن به کشورهای در حال توسعه تعلق دارد. افزایش سریع جمعیت برای متفکران، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان نگرانیهای فزاینده‌ای ایجاد کرده و مکانیسمهایی در جهت کاهش آن آغاز شده است و معمولاً افزایش شتابان جمعیت به طور عمده متعلق به کشورهای است که به نوعی از فرایند توسعه باز مانده و تفاوت‌های چشمگیری بین کشورهای مختلف در رابطه با رشد جمعیت دیده می‌شود که تاثیر بسزایی بر وضعیت غذا و تغذیه و توزیع آن در مناطق به جا می‌گذارد. رشد مداوم جمعیت، عاملی همیشگی در کاهش استاندارد زندگی توده‌های مردم است که اغلب به شکل نرخ بالای مرگ و میر و کاهش امکانات زیستی و کاهش متراکم حیاتی ظاهر می‌شود و برنامه‌ریزی را بخصوص برای گروه‌های آسیب‌پذیر دشوارتر می‌کند. افزون بر این رشد جمعیت، موجب تشدید عوامل بازدارنده‌ای می‌شود که امر توسعه را با دوگانگی مواجه می‌سازد. به طوری که اگر هدف تامین نیازهای اساسی جمعیت در اولویت قرار گیرد، ناگزیر باید قسمت چشمگیری از درآمد ملی به این امر اختصاص یابد. در این صورت سرمایه‌گذاری بنیادی در زیر ساختهای اجتماعی و فرهنگی کشورها میسر نخواهد بود. چنانچه از مصرف غذایی کافی جمعیت افزوده شده، چشمپوشی شود، انسانها که مهمترین عامل در فرایند توسعه به شمار می‌آیند، دچار نقصان در بهره‌وری، کاهش آموزش‌پذیری و خلاقیت خواهند شد که ناگزیر نارساییهای بیشتری را در گسستن زنجیره فقر ایجاد خواهند کرد. قرار گرفتن در چنین بن‌بستی تحلیگران را به این فکر رهنمون ساخته است که کشورهای در حال توسعه باید به طور سریع سیاستهای چندگانه و همگنی را در پیش گیرند که به پیشبرد فرایند توسعه کمک کند. در غیر این صورت رشد سریع جمعیت برای جهان رو به توسعه، عاملی هشداردهنده خواهد بود.

طبق پیشبینی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۵ شمار جمعیت مردم جهان به ۸/۲ میلیارد نفر خواهد رسید که ۶/۸ میلیارد یا ۸۳ درصد این جمعیت به کشورهای فعلی در حال توسعه اختصاص خواهد داشت. بدین ترتیب از حدود ۲ میلیارد نفر خالص ازدیاد جمعیت



در ربع اول قرن بیست و یکم ۹۴ درصد نصیب کشورهای فعلی در حال توسعه و فقط ۵/۸ درصد آن مربوط به کشورهای پیشرفته می‌شود. قاره آسیا با در بر گرفتن ۹۸۶ میلیون نفر یا ۴۷/۳ درصد ازدیاد جمعیت در این دوره به جمعیتی حدود ۴/۵ میلیارد نفر خواهد رسید.^(۳) بدینسان همانند دهه پایانی قرن بیستم، در دهه نخست قرن بیست و یکم نیز، تداوم رشد و ازدیاد جمعیت، پدیده دیگر جهان سوم و تقریباً منحصر به کشورهای در حال توسعه می‌شود و از این رو به یقین شکاف و فاصله موجود در سطح اقتصاد و زندگی کشورهای پیشرفته و در حال رشد تداوم خواهد یافت. به طور کلی تبعات منفی رشد جمعیت بر مصرف مواد غذایی را اساساً باید در مصرف انبوه، تغییر در الگوی مصرف، توزیع نابرابر مواد غذایی در گروه‌های مختلف اجتماعی و درون خانوار و مآلاً نابسامانی بیشتر در دسترسی به مواد غذایی، تشدید ناامنی غذایی، تشدید دخالت در توزیع درآمد و گسترش فقر جستجو کرد. با چنین رویکردی بخش اعظم این بار معمولاً بر دوش اقشار کم درآمد سنگینی می‌کند و این قبیل خانوارها تقریباً بیش از نیمی از درآمد خود را صرف مواد غذایی می‌نمایند، با این وصف آنان معمولاً قادر به حفظ ثبات مواد مصرفی خود نبوده و همواره از بعد کمی و کیفی مصرف مواد غذایی خود می‌کاهند، تبعات این پدیده در بزرگسالان به شکل کمبود مزمن انرژی، اختلال در تولید اقتصادی کشور، نداشتن توانایی جذب تکنولوژی مدرن، خطر بروز بیماری و شدت آن و نهایتاً کاهش عمر و سرعت بخشیدن مهاجرت به شهرها تجلی می‌یابد. نزد کودکان نیز این کمبودها به تاخیر رشد، کاهش فعالیت جسمی، کاهش مکانیسم مصونیت در مقابل امراض و بیماریها خطر ابتلاء و شدت بیماری، کندی یادگیری، آموزش‌پذیری و نداشتن موفقیت تحصیلی منجر می‌شود که از این طریق فقر و سوء تغذیه از نسلی به نسل دیگر منتقل و شدت می‌یابد.

ابعاد جهانی امنیت غذایی و تولیدات مواد غذایی

در طول چند دهه اخیر، تلاشهای ارزنده و در خوری در جهت افزایش تولید محصولات

کشاورزی به وقوع پیوسته است و ظرفیت جهانی برای تولید مواد غذایی از رشد جمعیت فراتر رفته و به مدد نوآوریهای متعدد و سریع در تکنولوژی، زندگی انسانها را دستخوش تحولی اساسی کرده و گسترش شگرفی در ظرفیت تولیدی غذا در کره زمین پدید آورده است. آمار بیانگر آن است که به رغم رشد سریع جمعیت، تولید سرانه مواد غذایی، فقط در طی دهه گذشته بیش از ۲۰ درصد افزایش داشته است و امید به فزونی امنیت غذایی را نوید داده است، لیکن این موفقیت شامل حال همه کشورها نبوده است و بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله در حوزه صحرای آفریقا، کیفیت و ارزشهای تغذیه‌ای خود را حتی در مقایسه با دهه ۱۹۷۰ از دست داده و دچار افت شدید شده‌اند. گذشته از مواردی از این دست، ارزیابیهای انجام شده جهانی، وضعیت کلی امنیت غذایی در جهان را با ابهام و تردید مواجه ساخته است و نماگرها نویدی در جهت بهبود ارائه نمی‌دهند. در سال ۱۹۹۴-۹۵ کل موجودی غلات از حداقل لازم برای برقراری امنیت غذایی در جهان پایتتر رفته و عدم توازن را در عرضه و تقاضا بویژه برای گندم فراهم نموده که به صورت تولید کمتر، کاهش ذخایر، افزایش قیمتها و مهمتر از همه کاهش میزان کمکهای غذایی نمود یافته است که برای بسیاری کشورهای واردکننده گندم نگرانیهای فزاینده‌ای را با خود به همراه داشته است. نسبت ذخایر غلات در پایان سال ۱۹۹۴-۹۵ به کل مصرف که یکی از شاخصهای مورد استفاده در ارزیابی امنیت غذایی جهان است، به شدت رو به کاهش نهاده و به حدود ۱۷ درصد برآورد گردیده است (۵). که در واقع پایتترین حد لازم برای برقراری امنیت غذایی در سطح جهانی است این خود یادآور کمبود ذخایر غذایی در دنیایی که مسئولیت تهیه غذا را برای همگان به عهده دارد و باید همه ساله در جهت بیشتر تولیدات همت گمارد تا بتواند پاسخگوی جمعیت رو به رشد باشد. قیمت صادرات غلات نیز به میزان ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است که این افزایش نه فقط موجب افزایش هزینه‌های وارداتی کشورهای ذخیره شده است، بلکه حجم کمکهای غذایی جهانی را نیز به مخاطره انداخته است. بررسی نماگرهای امنیت غذایی در ۹۲ کشور در حال توسعه در سالهای ۱۹۸۸ - ۹۰ و

پیشینی آن تا سال ۲۰۱۰ مبین آن است که در ۱۰ کشور از ۶۲ کشور فقیر واردکننده مواد غذایی، وضعیت امنیت غذایی به وخامت گراییده و مشکلات فقر غذایی مزمن در کشورهای در حال توسعه ادامه خواهد یافت (۵). با توجه به روند افزایش جمعیت جهان در سال، ۲۰۳۰ باید پذیرای زندگی و تغذیه ۳ میلیارد نفر فراتر از جمعیت کنونی باشد که مستلزم افزایش درخور توجه تولیدات خواهد بود تا بتواند نیازهای تغذیه‌ای انسانها را در این کره خاکی برآورده سازد. تحقق چنین آرمانی در شرایطی که اراضی موجود در تولید مواد غذایی در شرایط تخریب و فرسایش زیاد به سر می‌برند، ابعاد مسئله را پیچیده‌تر و ابهام‌آورتر می‌نماید.

آخرین آمارهای مربوط به وضع کلی امنیت غذایی در جهان که در کنفرانس بین‌المللی تغذیه، ارائه شده نشان می‌دهد که در حال حاضر ۲۰ درصد از جمعیت جهانی (بیش از یک میلیارد نفر) به کمبود انرژی - پروتئین دچارند بیش از ۸۰ درصد از این جمعیت در کشورهای در حال توسعه (بیش از ۷۰۰ میلیون نفر) در ۲۰ کشور بویژه آفریقا، جنوب آسیا و آمریکای لاتین به سر می‌برند. بیش از دو میلیارد نفر (۴۰ درصد) از رژیمهای غذایی استفاده می‌کنند که فاقد مواد مورد نیاز برای رشد و تکامل طبیعی، پیشگیری از مرگهای زودرس، نارساییهای ناشی از سوءتغذیه است. افزون بر این حدود ۱۹۰ میلیون کودک زیر پنجسال به سوءتغذیه انرژی - پروتئین مبتلا هستند و روزانه ۴۰ هزار کودک کمتر از پنج سال جان خود را از دست می‌دهند که سوءتغذیه مهمترین عامل مرگ و میر آنان به شمار می‌رود. در کنار این آمار، بیماریهای ناشی از فزونی مصرف مواد غذایی نیز به نوعی دیگر، حیات برخی گروههای ثروتمند و پرتنعم را مورد تهدید قرار می‌دهند (۳) در حال حاضر کشورهای در حال توسعه به دلایل تاریخی و منطقی به امکان تحقق یک برنامه مشترک جهانی در زمینه مقابله با ناامنی غذایی و سوءتغذیه با دیده شک و تردید می‌نگرند. انتظار بر حق تمامی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران از لحاظ بین‌المللی، تلاش بیشتر برای زدودن فاصله بین کشورهای شمال و جنوب است.

ابعاد جهانی امنیت غذایی، فقر و تخریب محیط زیست

پدیده فقر و رویارویی با آن یکی از معضلات انسان در قرن حاضر است. در ۴۰ سال گذشته، سقف درآمد جهانی از ۴ هزار میلیارد دلار به ۲۳ هزار میلیارد دلار رسیده و درآمد سرانه بیش از سه برابر و در آمد سرانه فقیرترین کشور (نیز به دو برابر رسیده است. به طول عمر انسان) معادل ۲۰ ساله افزوده شده و مرگ و میر کودکان زیر یکسال به نصف کاهش یافته است. در سال ۱۹۹۲ شمار فقرا از ۷۰ درصد به ۳۲ درصد تقلیل یافته است و جهان شاهد پیشرفتهای بی سابقه‌ای در زمینه توسعه انسانی در کشورهای در حال توسعه بوده است. مسافت طی شده توسط این کشورها در برهه زمانی پیشگفته معادل مسافتی بوده است که کشورهای صنعتی در طول یک قرن گذشته پیموده‌اند، لیکن به رغم تمامی پیشرفتهای سترگ و ستودنی محرومیت‌های انسانی هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای صنعتی همچنان چشمگیر و در خور توجه است. توزیع فقر گرچه معضل کشورهای رو به رشد است و از هر سه تن یک نفر در فقر به سر می‌برد لیکن آمارها نشان می‌دهد که در اروپای غربی و ایالات متحد آمریکا نیز ۱۵ درصد جمعیت زیر خط فقر به سر می‌برند. بدین ترتیب فقر، بیش از $\frac{1}{5}$ جمعیت جهان را فرا گرفته است و اکثر این افراد از مهمترین نیازهای زیستی محروم و زندگی پیوسته سخت‌تری را پیش رو دارند و آهنگ کنونی افزایش فقر، چنانچه با شدت کنونی ادامه یابد، تعداد مستمندان را در طول یک نسل به چهار برابر خواهد رساند. (۴ و ۶) مهمترین عامل بروز این پدیده، رشد روزافزون جمعیت همراه با رشد و توسعه نابرابر کشورهای فقیر و غنی در تامین نیازها و امکانات رفاهی و زیستی از یکسو و وجود قشر بندی درون کشور دیگر است. گرچه جهان در رویارویی با پدیده فقر در قرن حاضر موفق شده است، قدر نسبی فقرای جهان را کاهش دهد، لیکن قدر مطلق فقرای جهان و شکاف بین آنها شدیدتر شده است. یونسکو در این زمینه اعلام نمود که در سال ۱۹۶۰ تا ۲۰ درصد از کشورهای فقرزده جهان، ۳۰ برابر بیشتر از امکانات رفاهی برخوردار بوده‌اند که در طی کمتر از سی سال به دو برابر گذشته افزایش

یافته و هم اکنون ثروتمندترین گروههای اجتماعی در کشورهای رشد یافته ۶۰ بار بهتر از فقیرترین گروههای اجتماعی در کشورهای رو به رشد، زیسته‌اند (۷). به رغم آنکه تجارت بازرگانی سه برابر و تجارت خدمات بیش از ۱۴ برابر افزایش یافته، ۲۰ درصد فقیرترین مردم جهان سود چندانی از جهانی شدن روزافزون اقتصاد عایدشان نشده است و سهم آنان در کل تجارت جهانی ۱ درصد و در زمینه وامهای تجاری رقم بسیار ناچیز ۰/۲ درصد است. در جریان سرمایه‌گذارهای خصوصی در این قبیل کشورها در دو دهه گذشته از رقم ۵ میلیارد دلار به قریب ۱۶۰ میلیارد رسیده است، لیکن $\frac{۳}{۴}$ این نقدینگی فقط نصیب ده کشور شده که عمدتاً در جنوب آسیا و آمریکای لاتین قرار دارند. این در حالی است که بدهی خارجی کشورهای در حال توسعه بیش از ۱۸۰۰ میلیارد دلار بوده و تاخیر در بازپرداخت بدهی آنان بالغ بر ۲۲ درصد کل درآمدهای صادراتی آنهاست. (۴) شکاف بین فقیر و غنی در درون کشورها نیز به مراتب حادثر بوده و گاهی درآمد ۲۰ درصد از طبقات پردرآمد در برخی از کشورها، ۱۵۰ برابر بیش از درآمد ۲۰ درصد از طبقات کم درآمد بوده است (۷).

موقعیت بحرانی اقتصادی کشورهای رو به رشد، افزایش مداوم و مستمر جمعیت و گسترش فقر از یک سو و رشد افسارگسیخته کشورهای غنی از دیگر سو، موجب نابودی محیط زیست و به هم ریختن تعادل اکولوژیکی شده است که در درازمدت به عامل تشدیدکننده‌ای بدل شده و به نوبه خود دستیابی به اصلاحات زیربنایی را دشوار می‌سازد. بنابر ادعای موسسه نظارت جهانی، کره زمین طی ۲۰ سال گذشته، ۲۰۰ میلیون هکتار از پوشش درختی و ۵۰۰ میلیون تن از خاک سطحی قابل کشت خود را از دست داده است، سالانه حدود ۲۰ میلیون هکتار از جنگلهای مناطق حاره کاملاً پاکسازی و یا نسبتاً تخریب می‌شوند، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها تبدیل به فاضلاب مواد صنعتی شده (حجم فضولات تولیدی در کشورهای در حال توسعه کمتر از $\frac{۱}{۳}$ کشورهای صنعتی است، در حالی که این کشورها ۳/۵ برابر کشورهای صنعتی جمعیت دارند) و دهها هزار گونه حیوانی و گیاهی از بین رفته است. سیر قهقراپی و کاهش منابع آب شیرین، گسترش پدیده کویرزایی، ویرانی

جنگل، فرسایش ژنتیکی گیاهان و جانوران، مصرف بی‌رویه‌نهادها و آلودگی زیستمحیطی، خطر تغییر ناگهانی آب و هوای زمین و پدیده گرم شدن گلخانه‌ای زمین، دگرگونی در شکل ریزش باران و بالاخره تجمع گازها در جو پایداری منابع را مورد تهدید جدی قرار داده. برآوردهای سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد گویای آن است که تا ۲۰ سال آینده، ۱۴۰ میلیون هکتار زمین کشاورزی بر اثر فرسایش خاک از چرخه باروری خارج می‌شود، ۱۲۰۰ سال باید بگذرد که این مقدار خاک ترمیم شده و قابلیت‌های از دست رفته خود را بازیابد. اگر روند فروپاشی جنگل‌ها ادامه پیدا کند تا سال ۲۰۰۰ میلادی ۸۰ درصد جنگل‌های جهان رو به نابودی است (۷). بدین ترتیب آثار و نتایج فقر، تداوم رشد سریع جمعیت و تنش‌های فزاینده محیط‌زیست، به تدریج به صورت بحران‌های عظیمی در زندگی صدها میلیون تن از مردم کشورهای مختلف آشکار می‌شود و باعث تثبیت محرومیت بویژه در کشورهای در حال توسعه خواهد شد و وضع زیستن (بیوسفر) را به مرز انفجار نزدیک می‌کند.

پیامدها و آثار منفی سوء تغذیه

علل و ریشه‌های ایجاد سوء تغذیه و گسترش آن طیف وسیعی را در بر می‌گیرد. از تولید ناکافی مواد غذایی گرفته تا کمبود یا فقر یک ریز مغذی در فرآورده‌های خوراکی، از کاهش توانایی خرید مواد غذایی گرفته، تا باورهای گمراه‌کننده خوراکی، از شیوع بیماری‌های عفونی گرفته تا اسراف در مصرف مواد خوراکی، همگی می‌تواند سبب سوء تغذیه و گسترش آن در جامعه و فرد شود.

زمانی که حجم تولیدات و یا واردات مواد غذایی (کمیت عرضه) به آن اندازه نباشد که نیازهای تغذیه‌ای افراد جامعه را برآورده سازد و یا مهمتر آنکه افراد جامعه توانایی خرید و دستیابی به این مواد را نداشته باشند، با کمبود مواد غذایی به طور کلی روبه‌رو هستند. این کمبود غذایی باعث کمی تغذیه می‌شود که مهمترین پیامد آن سوء تغذیه به پروتئین-انرژی است. از سوی دیگر زمانی که حجم فرآورده‌های غذایی کافی و مواد خوراکی در دسترس

باشد، لیکن مواد در دسترس حاوی ویتامینها و املاح (ریز مغذیها) کافی نباشد و در واقع مواد غذایی از بعد کیفیت ناکافی باشد، فقر غذایی به صورت کمبود مواد مغذی ایجاد می‌شود. کم خونیهای تغذیه‌ای، کمبود ویتامین A اختلالات ناشی از کمبود ید از شایعترین انواع فقر غذایی در جهان است که ۲ میلیارد نفر به آن دچارند. به منظور ریشه‌یابی علل سوءتغذیه دو گروه از عوامل باید مورد مطالعه قرار گیرد. گروه نخست، مجموعه عواملی است که شرایط لازم را برای ایجاد گسترش سوءتغذیه فراهم می‌سازد و گروه دیگر مجموعه عواملی است که باعث تشدید سوءتغذیه می‌شود. گروه نخست شامل عوامل زیستی بویژه بیماریهای عفونی تنفسی و گوارشی نقش بسزایی دارد و شناخت و تفکیک این دو گروه از عوامل اساسی و ریشه‌یابی علل انواع آن به منظور تدوین و اجرای برنامه‌های ریشه‌کنی، پیشگیری و یا کنترل آن، اهمیت دارد و برنامه‌هایی نظیر خدمات اولیه بهداشتی، ایمن‌سازی، کنترل بیماریهای عفونی، تامین آب آشامیدنی سالم و ... می‌تواند میزان شیوع سوءتغذیه شدید را تا حدودی کاهش دهد. در حالی که ریشه‌کنی، پیشگیری و کنترل سوءتغذیه خفیف که به آن «گرسنگی پنهان» نیز گفته می‌شود کاری است بس دشوار و حل این معضل بیش از تواناییهای بخشهای دولتی و یا حتی در مواردی تواناییهای دولتهاست. سوءتغذیه نزد فرد نیز می‌تواند علل برونزا (اولیه) و یا درونزا (ثانویه) داشته باشد. علل برونزای سوءتغذیه را می‌توان در مجموعه عواملی که در تامین و تهیه غذا دخالت دارند، جستجو کرد و از آن جمله عرضه، دسترسی، توانایی خرید، چگونگی گزینش، توزیع، پخت، بهداشت مواد غذایی، باورها و آموخته‌های خوراکی و مانند آن. در حالی که علل سوءتغذیه درونزا به مجموعه عواملی مرتبط می‌شود که بهره‌مندی مواد غذایی را دگرگون می‌کند، مانند بیماریهای گوارشی، نارسایی در هضم و جذب و به‌کارگیری این مواد به وسیله بدن، افزایش نیاز به مواد مغذی در شرایط طبیعی، فیزیولوژیکی خاص مانند رشد سریع، دوران بارداری و یا شیردهی و در شرایط آسیبی مانند سوختگی شدید، عمل جراحی، امراض متابولیکی، تب و مانند آنها (۸) سوءتغذیه از نظر نوع نیز به فزونی تغذیه

(زیاده‌روی در مصرف مواد غذایی) و یا کمبود تغذیه‌ای (مصرف اندک مواد غذایی) طبقه‌بندی می‌شود. غالباً کمبودهای تغذیه‌ای به صورت حاد، نیمه حاد و یا مزمن و از نظر شدت به صورت خفیف، متوسط و یا شدید نمایان می‌شود و پیامدهای آن نیز می‌تواند برگشت‌پذیر، تا حدودی برگشت‌پذیر و یا برگشت‌ناپذیر باشد.

سوء تغذیه غالباً رشد و تکامل کودک را مختل می‌کند و باعث کندی رشد بدن (بویژه کوتاهی قد)، کاهش کار بدنی کمتر و همچنین واپسماندگی تکامل ذهنی کودکان می‌شود که به افت فرآیند فراگیری در بزرگسالی منجر خواهد شد. تبعات این پدیده نیز نزد بزرگسالان به شکل کمبود وزن، کاهش بهره‌وری، نداشتن توانایی مهارتها و جذب تکنولوژی مدرن، خطر بروز، شدت و افزایش بیماریهای بدون درمان، کاهش عمر، سرعت بخشیدن مهاجرت به شهرها نزد روستاییان و گسترش سوء تغذیه از نسلی به نسل دیگر خواهد شد و به تکرار دور باطل توسعه یافتگی خواهد انجامید. در مجموع آثار منفی سوء تغذیه به طور کلی حداقل از سه طریق در اقتصاد جوامع اثرگذار است. یکی، کاهش تولیدات و نیروی تولیدی و توانمندی افراد جامعه در اثر افت بدن (کوچکی جثه)، دیگری افت آموزش‌پذیری و موفقیت‌های تحصیلی که منجر به برگشت کمتر سرمایه‌گذاری آموزشی در اثر واپسماندگی ذهنی و سرانجام اتلاف منابع مالی و انسانی را در اثر کاهش بهره‌وری و هزینه بیشتر درمان و خدمات درمانی در اثر کاهش پایداری بدن در برابر بیماریها و همچنین از دست دادن روزهای مفید کاری به علت بیماری است.

نگاهی کلی به سیستم امنیت غذایی در کشور

برای تعیین گستره امنیت غذایی غالباً دو دیدگاه کلان و ملی و تفاوت‌های ناشی از مصرف در سطح خرد یا خانوار بررسی می‌شود. در ارزیابی امنیت غذایی و سلامت تغذیه‌ای در سطح کلان، عرضه غذا Food supply در هر کشور مهمترین شاخص امنیت غذایی به شمار می‌آید. این روش به عنوان نقطه شروع می‌تواند میزان خام غذای موجود در کشور را بدون

عامل دسترسی به صورت تقریبی نشان بدهد. و تاثیر عوامل تولیدی و جمعیتی را در سالهای مختلف بررسی کند. از این رو با استفاده از این روش، ساختار موجودیت غذا، میزان تولید و تغییرات مصرف بررسی و در پایان درجه پایداری یا آسیب پذیری هر کشور مورد سنجش قرار می گیرد. برپایه مطالعات صورت پذیرفته در مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی عرضه سرانه غذا (میزان دریافت انرژی و پروتئین در دوره ۶۷ تا ۷۲ از ۲۸۱۳ کیلو کالری به ۳۲۲۷ کیلو کالری رسیده است که در مقایسه با برآورد نیاز سرانه در کشور از ۱۲۲ درصد به ۱۴۰ درصد افزایش یافته است. گرچه ظاهراً میزان عرضه غذای کشور، بیش از حد نیازمندیهای جامعه است، اما در ارزیابیهای جهانی و متداول سنجش مصرف و تغذیه کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصد اتلاف عرضه سرانه در سطح انتقال به خانوار و فرد همواره تأیید گردیده است. این ضرایب غالباً در سطح انتقال خانوار و فرد وجود دارد و شامل ضریب اتلاف در مرحله انبارداری و توزیع، ضریب اتلاف در مرحله نگهداری، آماده کردن و پخت در منزل، ضریب اتلاف در مرحله صرف غذا و تقسیم منابع غذایی در بین خانوار و سرانجام ضریب ناشی از نابرابریهای الگوی توزیع درآمد است. بدین ترتیب لازم است از یکسو به بالا بردن عرضه غذا، کاهش ضایعات و بالا بردن کارایی سیستم غذا در کشور بخصوص در زمینه گسترش صنایع تبدیلی و نگهداری کوشش شود و از سوی دیگر به تعادل در توزیع درآمد توجه نمود. مطالعات انجام شده از جانب انستیتو - تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی و وزارت کشاورزی نشان داده است که حدود ۲۰ درصد مردم به غذای کافی از بعد کمیت، دسترسی نداشته‌اند و مصرف سرانه انرژی آنان کمتر از ۸۰ تا ۹۰ درصد حد نیاز است. حدود ۲۰ درصد مردم از بعد کمیت، غذای کافی می‌خورند ولی همچنان دچار کمبود تعدادی از ویتامینها و املاح هستند و از نظر کیفیت غذای مصرفی و تنوع رژیم غذایی، شرایط مطلوب را نداشته. بالاخره ۴ درصد بیش از حد نیاز غذا خورده‌اند که سلامت ۲۰ درصد آنان به علت زیاده‌روی در مصرف غذا، به طور جدی تهدید می‌شود. بنابراین گرچه غذای موجود از بعد کمیت کافی است، لیکن عدم تعادل در

مصرف کاملاً مشهود است. (۹)

در ارزیابی کلی بعد از کمیت، کیفیت مواد غذایی مصرفی مورد توجه قرار می‌گیرد. براساس محاسبات انجام شده حدود ۹۰ درصد دریافت انرژی عمدتاً از فرآورده‌های گروهی و با منشاء زراعی تامین شده و فرآورده‌های حیوانی سهم اندکی در انرژی دریافتی جمعیت کشور داشته است. افزایش انرژی عمدتاً از کربوهیدراتها تامین شده است که در این میان سهم گندم، برنج، حبوبات، قند و شکر در خور توجه است. در مقایسه با سال ۶۷ سهم پروتئین حیوانی در کل عرضه تغییر چندانی در مقایسه با سال ۶۷ نکرده است و عرضه لبنیات و گوشت سفید افزایش یافته ولی متناسب با این افزایش مصرف گوشت قرمز روند کاهنده‌ای داشته است.

چنانچه عرضه غذای کشور را با ترکیب مطلوبی که امروزه در جهان پیشنهاد می‌شود مقایسه می‌کنیم، به سادگی می‌توان دریافت که عرضه غذا در سطح کلان از ترکیب مطلوبی برخوردار نیست و ۷۲ درصد عرضه انرژی از ۱۰ کالا تامین شده است که غلات به تنهایی تامین‌کننده ۶۳ درصد عرضه غذایی بوده است. بنابراین به منظور بهبود کیفی غذای کشور باید در جهت کاهش غلات و افزایش بیشتر عرضه سبزی، میوه و بویژه مواد حیوانی و تنوع بخشیدن بیشتر مواد غذایی گام برداشت.

بعد دیگر در پایداری امنیت غذایی، نسبت خودکفایی هر کشور یا درجه تامین نیازها و یا تقاضای مورد نیاز مواد غذایی از تولید داخلی است. گرچه تنوع و تفاوت شرایط اقلیمی و قابلیت‌های بهره‌برداری از منابع تولید در کشورها و قابلیت‌های ورود مواد غذایی متفاوت است و تعداد محدودی از کشورها را می‌توان یافت که نسبت به تمامی نیازهای مصرفی مواد غذایی خودکفا باشند، لیکن درجه تامین نیازهای اساسی کشور به دلایل آرمانی، ملی و سیاسی با اهمیت است. هم اکنون ۸۶ درصد عرضه مواد غذایی از طریق تولیدات داخلی تامین می‌شود که بهبود نسبی عرضه غذا را می‌توان مرهون ظرفیت‌سازی ساختار و تولید رشد بخش کشاورزی طی برنامه پنجساله اول دانست، لیکن نظام کشاورزی به رغم

اصلاحات ساختاری مهمی که در سالهای اخیر در آن صورت گرفته تا مرحله کارآمدی و پایداری اقتصادی فاصله دارد.

اندازه کوچک مالکیتها و قطعات بهره‌برداری، سیاستهای کلان محدودکننده بخش کشاورزی، سطح نازل سواد و مهارتهای فنی کشاورزی، ضعف بنیه مالی بیشتر کشاورزان، ناکافی بودن سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی، انتقال سرمایه از بخش کشاورزی به سایر بخشها، ضعف خدمات عمومی در زمینه تولید زیرساختهای کشاورزی، ناکافی بودن خدمات تحقیقی، آموزشی و تدریجی و... از جمله مهمترین تنگناهای افزایش بهره‌وری در بخش به شمار می‌آید. در مجموع ارزیابی کلی از توان بخش کشاورزی با توجه به منابع بهره‌برداری و افزایش تولید تصویر امیدبخشی را ارائه می‌دهد، لیکن به رغم دستاوردهای چشمگیر در زیر سیستم تولید و عرضه به علت نارساییهای موجود در زیر سیستم نگهداری، تبدیل و توزیع میزان ضایعات غذایی در کشور بسیار بالاست و هم اکنون به طور متوسط حدود ۳۰ درصد از محصولات کشاورزی در ایران هدر می‌رود که خود غذای حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر از جمعیت کشور است.

ارزیابی وضعیت سوء تغذیه در کشور

هرچند مطالعه جامع ارزیابی وضعیت تغذیه در سطح کشور در دهساله اخیر انجام شده است، لیکن براساس داده‌های غیر مستقیم و مطالعات مقطعی در کشور در زمینه معاینات بالینی و بررسیهای بهداشتی می‌توان تا حدودی موقعیت کشور را ارزیابی کرد. مهمترین شکل تغذیه کشور را می‌توان سوء تغذیه انرژی - پروتئین دانست نمایه وزن برای سن و صدک سوم معمولاً به عنوان مرز وضع تغذیه هنجار و ناهنجار تعیین می‌شود. در بررسی وسیع سلامت کودکان کشور در سال ۱۳۷۰ بین ۶/۵ تا ۳۴/۱ درصد کودکان از نظر وزن برای سن زیر صدک سوم قرار داشته‌اند و سوء تغذیه به صورت افت رشد (کم وزنی یا کوتاهی قد) در کودکان متجلی شده است و در نزد دختران و زنان همواره بیش از پسران و

سوء تغذیه: پیموده‌ها و...

مردان شیوع داشته است و ۱/۵ برابر گزارش شده است و در حالی که ۱۳ درصد پسران زیر پنجسال دچار سوء تغذیه شدید و متوسط بوده‌اند، این میزان در نزد دختران به ۲۰ درصد رسیده است و توزیع آن در جوامع شهری در بین پسران و دختران ۱۰ و ۱۷ درصد بوده و در جوامع روستایی به ۱۵ و ۲۳ درصد تغییر کرده است. از دیگر مشکلات تغذیه‌ای، کم خونی ناشی از فقر آهن است که بخصوص در زنان و دختران کشور بسیار شایع است و آمار رسمی میزان شیوع کم خونی را حتی تا ۵۰ درصد نشان می‌دهد. بررسی سلامت و بیماری در ایران در سال ۷۲ نشان داد که ۱۵ درصد زنان در کشور کم خون هستند. فقر آهن بیشتر نزد کسانی مشاهده می‌شود که عمدتاً از منابع غذایی گیاهی تغذیه می‌کنند و مصرف منابع دامی آنان بسیار اندک است. مطالعه در استان کرمان در سال ۷۲ نشان داد که ۱۱/۸ تا ۳۰/۸ درصد زنان شهری کرمانی به کم خونی مبتلا هستند. مطالعات مربوط به اختلالات ناشی از کمبود ید نیز افراد مبتلا به گواتر را حدود ۱۵ میلیون نفر در کشور برآورد می‌کند و زنان بالاترین میزان شیوع در کشور را داشته‌اند (۸). افزون بر این شواهدی نیز مبنی بر کمبود ریزمغذیها (املاح و ویتامینها) وجود دارد که اثبات آن و علل موثر بر آن مطالعات بررسیهای بیشتری را می‌طلبد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

چالش سوء تغذیه عظیم و در حال رشد است و مانعی بر سر راه رفاه بشر و توسعه یافتگی است. چنانچه به صورت ریشه‌ای و جدی برای آن چاره‌اندیشی نشود، بی شک بشریت آینده‌ای مبهم را پیش رو دارد. پیشرفتهای بی سابقه آدمی از یکسو و محرومیت‌های وصف ناپذیر از سوی دیگر، تصویری از بیم و امید فراروی انسان عصر حاضر قرار داده است. با روند پیشبینی فعلی جمعیت در کشورهای در حال توسعه، تولید مواد غذایی باید از رشد فزاینده‌ای برخوردار باشد که حتماً تحت شرایط مطلوب بسیار دشوار است. از این رو آرمان برآورده ساختن «غذا برای همه» طی دهه آینده بزرگترین چالش

خواهد بود و در اینجاست که سوء تغذیه مرزها را در هم شکسته و جهانشمول می شود. بنابراین حذف گرسنگی و سوء تغذیه باید جایگاه مهمی را در افکار و اندیشه های بشری باز یابد و بهبود امنیت غذایی باید به عنوان هدفی کلیدی در تکامل انسان پذیرفته شود. برای دستیابی به امنیت غذایی پایدار باید تلاش هدفمند، سازمان یافته و فراگیری آغاز نمود و این مهم نیز تنها با مشارکت، تعهدات سیاسی و مسئولیتهای متقابل تمامی کشورهای جهان میسر خواهد شد. دستیابی به امنیت غذایی پایدار جهانی، تحرک و پویایی بیشتر افراد جهان و حرکت به سوی توسعه اقتصادی پایدار به همراه توزیع متعادل ثروت در میان مردم و ضرورت رشد اقتصادی در جهان را می طلبد. افزون بر این اتخاذ استراتژیهای توسعه در جهت رشد و شکوفایی اقتصادی با تمرکز دیگر بر کاهش فقر، اجرای سیستمهای کشاورزی و ایجاد تعادل لازم بین رشد و پراکنش جمعیت متناسب با ظرفیتهای تولیدی منابع پایه، حفظ و حراست از منابع ژنتیکی گیاهی و جانوری در جهت پایداری و بالاخره اجرای روشهای تولیدی با رعایت ملاحظات زیستمحیطی را نیاز دارد.

گرچه ابعاد جهانی نقش بسیار با اهمیتی دارد. لیکن برای برنامه ریزی و اجرای کاهش ناامنی غذایی مکانیسمهای ملی و لازم در هر کشور باید انتخاب و ایجاد شود.

تأمین امنیت غذایی و محو فقر و سوء تغذیه به فراهم ساختن عوامل و شرایط متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیاز دارد. مداخله و هماهنگی و انسجام تمامی دستگاههای ذی ربط در تدوین برنامه جامع غذا و تغذیه کشور و بالاخره برای حل بسیاری از مشکلات موجود در زمینه غذا و تغذیه کشور، استفاده از تجربیات علمی و تجربی به منظور شناسایی، برنامه ریزی، مدیریت و اجرا الزامی است.

بهبود امنیت غذایی و زدودن سوء تغذیه در گرو بهبود زیرسیستمهاست. ارزیابی کلی نشان می دهد که هر قدر از زیر سیستم عرضه، به طرف زیرسیستمهای دیگر یعنی نگهداری، تبدیل، توزیع و مصرف پیش می رویم، شناخت کافی، انسجام و هماهنگی میان زیرسیستمها ناچیزتر می شود. در زیر سیستم نگهداری، تبدیل و توزیع نارساییها متعدد و

سوء تغذیه: پیموده‌ها و...

فراوان است که نتیجه آن ضایعات بالای مواد غذایی و به هدر رفتن میلیاردها ریال می‌باشد. همچنین در زیر سیستم مصرف نیز به نبود تعادل شدید در مصرف دچاریم و تعداد زیادی از مردم یا دچار کمبود مصرف و یا پرمصرفی هستند. در حالی که با وجود عرضه کافی و بیش از نیاز باید در سطح مصرف مطلوب می‌بودیم. وجود عدم تعادل و انحراف از میانگین مصرف، نیاز به توجه و تعدیل دارد. گرچه متعادل کردن مصرف با ایجاد آگاهی و آموزش، بهبود نسبی می‌یابد، لیکن حل این معضل را به طور قطع باید در ریشه‌های اقتصادی و رفتاری در عدم تعادل‌های جاری جستجو کرد. تصویر مطلوب از امنیت غذایی در ۱۵ ساله آینده در کشور را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

(۱) عرضه غذا معادل سرانه ۳۲۰۰ کیلو کالری

(۲) تامین غذای اصلی از ۱۵ تا ۲۰ کالای استراتژیک به منظور بهبود کیفیت غذا و تنوع

بخشیدن به آن

(۳) کاهش ضایعات غذایی به میزان پایتتر از ۱۰ درصد

(۴) جمعیت دچار کمبود مواد غذایی پایتتر از ۱۰ درصد

(۵) جمعیت مصرف‌کننده در سطح مطلوب به میزان ۷۰ درصد

(۶) جمعیت پرمصرف در سطح ۲۰ درصد

(۷) متوسط سهم هزینه خوراک از کل هزینه خانوار معادل ۳۰ تا ۴۰ درصد

(۸) سهم هزینه خوراک از کل هزینه برای ۴۰ درصد پایتترین گروه درآمدی در زیر ۴۰

درصد برای رسیدن به چنین تصویر مطلوبی به اراده و عزمی ملی نیاز است و از این رو مردم، مجلس، دولت، بخش خصوصی، دانشگاه و مراکز تحقیقاتی برای ایجاد حرکتی ملی در جهت بهبود کارایی سیستم غذا و آینده‌نگری برای تامین امنیت غذایی و مقابله با سوءتغذیه تلاش نمایند. تامین نیازهای غذایی جمعیت، شاید نخستین و دشوارترین وظیفه‌ای است که دولتها در پیش رو دارند، لیکن باید به لحاظ پایبندی به هدفهای توسعه و آرمانهای انساندوستانه، رویکردی جدی با آن داشت.

منابع و مآخذ

۱. اطلاعیه شماره D/W/133C سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد. ۲. چشم انداز دور و نزدیک از روند تکامل جمعیت ایران و جهان (سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۲۵ - محمد علیزاده - فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه جمعیت و نیروی انسانی - سال دوم - زمستان ۷۳).
۳. روز جهانی غذا - غذا برای همه - شراره ورزگر - کاظم متینی - ۲۴ مهرماه ۱۳۷۴
- ۴ - گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵ برنامه عمران ملل متحد - مترجم - غلامحسین صالح نسب - جهاد - سال پانزدهم - شماره ۱۸۰-۱۸۱
- ۵ - نوری نائینی - امنیت غذایی و اجرای پیمان گات: وضع موجود، تصویر آینده - فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال سوم - شماره ۱۰ - تابستان ۱۳۷۴
- ۶ - «گزارشی از فعالیتهای جهانی امنیت غذایی» فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه امنیت غذایی سال دوم - پائیز ۱۳۷۳
- ۷ - «پیامد فقر، رشد جمعیت و ویرانی محیط زیست بر زنان» - شراره ورزگر - فصلنامه اقتصادی کشاورزی و توسعه ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی - سال سوم - بهار ۱۳۷۴ - مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی
- ۸ - سوء تغذیه، سدی فراراه فرایند توسعه ملی - دکتر فریدون سیاسی - فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه - ویژه نامه امنیت غذایی - سال دو - پائیز ۱۳۷۳
- ۹ - بررسی وضعیت سلامت مادر و کودک در جمهوری اسلامی ایران - وزارت بهداشت - درمان - آموزش پزشکی
- ۱۰ - گزارشی به مناسبت برگزاری سمینار امنیت غذایی - مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی